

اسلام و غرب

مجله «اکونومیست» در شماره اوت ۱۹۹۴ تحقیقی را به موضوع رابطه اسلام و غرب اختصاص داده است. در شروع این تحقیق می‌خوانیم: «این تحقیق با اکثر تحقیق‌های مجله «اکونومیست» تفاوت دارد، زیرا نه در مورد یک کشور است، نه درباره یک صنعت یا یک سازمان مالی... بلکه در مورد یک ایده است که بی شک تنها ایده‌ای است که در نوع خود در جهان امروز وجود دارد.»

از دیدگاه نویسندگان این تحقیق مسأله اصلی، تجزیه و تحلیل مقاله‌ای است که ساموئل هانتینگتون استاد دانشگاه هاروارد در تابستان ۱۹۹۳ در مورد «برخورد تمدن‌ها» در مجله آمریکایی «فاران آفرز» نوشته و «چهارچوب روشنفکری ترس از رویارویی بین اسلام و غرب را فراهم آورده است». هانتینگتون در مقاله خود این رویارویی را بین سه تمدن بررسی می‌کند. نخست، تمدن غرب که بیانگر فرهنگ اروپایی و آمریکایی است و پایه گذار تاریخی دموکراسی و سرمایه داری در جهان امروز می‌باشد. سپس تمدن کنفوسیوسی که در چهارچوب زبان چینی شکل گرفته و متعلق به این منطقه از جهان است. و بالاخره تمدن اسلامی که به عنوان واقعی ترین رقیب ایدئولوژیک غرب در نظر گرفته شده است؛ تمدنی که به گفته هانتینگتون برخلاف فرهنگ‌های کنفوسیوسی، اسلاو، ژاپنی و آمریکای لاتینی دلیل وجودی خود را در یک بینش دینی می‌یابد. از نظر نویسندگان مجله

«اکونومیست» این بینش دینی امروزه تبدیل به حس هویتی شده که در ۲۵ سال گذشته در کشورهای اسلامی شکل یک «بنیادگرایی» را به خود گرفته است و به همین دلیل از دیدگاه اروپاییان به منزله آخرین ایدئولوژی زنده قرن بیستم معرفی می‌شود. اما به نوشته «اکونومیست» تعمیم دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی برخی از کشورهای اسلامی و ربط دادن آن به کل فرهنگ اسلامی و رویارویی قدیمی آن با تمدن اروپایی سودی ندارد، مگر کشاندن این دو تمدن به سوی یک جنگ نوین. حال آنکه تمدن اسلامی از بسیاری نکات به مراتب بیش از تمدن‌های چینی و هندی به تمدن غربی نزدیک است، زیرا هر دو تمدن ریشه‌های فرهنگی خود را در دینی تک‌خسندایی می‌یابند. به قول نویسندگان این تحقیق: «یک مسلمان و یک غربی هر دو معتقد به ایده مسئولیت فردی هستند... و بر مبنای این اصل می‌توانند درباره ماهیت خیر و شر، حقوق مالکیت و حفظ محیط زیست و... با یکدیگر به بحث و گفتگو بنشینند.» نتیجه اینکه از نظر «اکونومیست» دلیل روشنی برای برخورد میان اسلام و غرب وجود ندارد، خصوصاً اگر هر دو این تمدن‌ها در بازمینی عقاید امروزی خود نسبت به یکدیگر کوشا باشند و کشورهای اسلامی بتوانند برای تطابق خود با احتیاجات یک زندگی مدرن راه‌هایی را انتخاب کنند. از دیدگاه نویسندگان این مجله مهمترین مانعی که در سر راه انطباق کشورهای اسلامی با روحیه مدرن در آستانه قرن بیست و یکم وجود دارد، فقدان

The Economist

A SURVEY OF ISLAM

Not again,
for heaven's sake



دموکراسی در اکثریت این کشورها است. از ۳۹ کشوری که در این بررسی به آنها پرداخته شده است، تنها ۷ کشور به میزان قابل قبولی از دموکراسی رسیده‌اند. «مشکل‌ترین آزمایش برای کشورهای اسلامی انتخابات آزاد است که مهمترین معیار دموکراسی می‌باشد» «اکنون میست» نتیجه می‌گیرد که «برای نیل به دموکراسی، اسلام سیاسی نیاز به بازاندیشی دارد». این بازاندیشی که در غرب بیش از ۴۵ سال به طول انجامید، امروزه می‌تواند با سرعت بیشتری در سایر تمدن‌ها بوقوع بپیوندد. نتیجه اینکه حتی رهبران جنبشهای اسلامی جهان نیز (برای مثال راشد الفونشی رهبر جنبش اسلامی تونس) بر این عقیده‌اند که تنها بدیل سیاسی در دنیای امروز دموکراسی است و برای زنده نگاهداشتن جنبش اسلامی باید از پلورالیسم حزبی و سیاسی دفاع کرد. تحقیق مجله «اکنون میست» با نتیجه‌گیری خوشبینانه‌ای درباره روابط آتی اسلام و غرب پایان می‌گیرد. بنا به گفته نویسندگان این تحقیق «همانگونه که پانصد سال پیش کشورهای اسلامی موجب شد که غرب از دوران قرون وسطی فاصله بگیرد، امروزه نیز غرب می‌تواند با کمک به کشورهای اسلامی از فاصله آنان با عصر مدرن بکاهد. . . . ولی لازمه این همکاری این است که کشورهای اسلامی و کشورهای غربی از تعصب به یکدیگر دست بردارند».

شبکه اطلاعات زنان

در مهرماه گذشته کارگاه آموزشی ای در سطح بین‌المللی و در خصوص شبکه اطلاعات مربوط به زنان به مدت ۳ روز در تهران برگزار شد. موضوع این کارگاه بررسی وضعیت زنان در جامعه از طریق داده‌های آماری و افزایش توجه مسئولین کشور، سازمانهای غیردولتی و دانشگاهیان به اهمیت اطلاعات مربوط به زنان در تدوین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور و نیز پشتیبانی از مراجع ملی فعال در پیشبرد امر زنان برای ایجاد یک مرکز اطلاعات متمرکز مربوط به زنان بود.

با توجه به حجم گسترده و بی‌سابقه اطلاعات در زمینه یافته‌های علمی و فنی و افزایش دامنه رشته‌های تخصصی در علوم و دگرگونی آگاهی‌های علمی از یک سو و امکان دسترسی به منابع، رویدادها و نوآوری‌های علمی در جهان و جلوگیری از دوباره‌کاری‌های پژوهشگران و صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌های تحقیقاتی از دیگر سو، کشورهای جهان را بر آن داشته است تا برنامه‌های وسیعی را برای سیستم و شبکه‌های اطلاعاتی ملی خود طرح‌ریزی نمایند.

کشورهای در حال توسعه با شاخص‌های متعددی از کشورهای توسعه نیافته متمایز می‌شوند که از آن جمله: نرخ بالای رشد جمعیت، پایین بودن درآمد سرانه ملی، عدم مدیریت صحیح، پایین بودن میزان پژوهش‌ها، اختراعات و نوآوری‌های علمی و فنی،